

حاکمیت خلافت عباسی بر مبنای نظریه اقتدار سنتی ماکس وبر

محبوبه فرخنده‌زاده*

چکیده

ساختار سیاسی، اداری، قضایی و نظامی خلافت پانصد ساله عباسی از جهات گوناگون قابل بررسی است. زمانی که عباسیان قدرت را به دست گرفتند، حاکمیت پاتریمونیل عباسی شکل گرفت. با تثبیت قدرت سیاسی و گسترش ساختار اداری و نظامی خلافت، دولت ویژگی نظام پاتریمونیل - بوروکراتیک یافت. پس از گذشت یک سده از عمر حکومت، به تدریج شاهد استقلال والیان، افول اقتدار خلیفه و ضعف تشکیلات اداری و سیطره نظامیان هستیم. خلیفه برای رهایی از بحران سیاسی با ایجاد منصب جدید امیرالامرای، تمام اختیارات حکومت را به فرماندهان نظامی تفویض نمود. پیامد غلبه نظامیان بر خلافت آن بود که دولت پاتریمونیل عباسی مشخصه و ویژگی سلطانیسم گرفت. نظام‌های پاتریمونیل مشخصه خودکامگی حاکم، انحصارطلبی، مشکلات اقتصادی، افزایش قدرت نظامیان و... دارند که این امر از موانع جدی تحول و توسعه و سیر آن به سمت عقلانیت بوده است و تمام این موانع در ساختار سیاسی و نظام اداری و تشکیلات اقتصادی دولت عباسی قابل مشاهده است.

در مقاله حاضر تلاش می‌شود با استناد به گزارش‌های تاریخی، تحلیل داده‌ها، روش تعلیل و مقایسه، ساختار سیاسی - اداری و نظامی عباسیان را با نظریه اقتدار سنتی ماکس وبر مورد ارزیابی و واکاوی قرار داده و میزان هماهنگی و یا عدم آن را با این نوع حاکمیت تبیین نماید. واژه‌های کلیدی: خلافت عباسی، ساختار سیاسی، دیوانسالاری، ماکس وبر، اقتدار سنتی، نظام پاتریمونیلیسم.

* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد (farkhondehzadeh@um.ac.ir)

مقدمه

ظهور عباسیان در عرصه سیاست، منشأ برخی تحولات قابل توجه در نظام سیاسی، اداری و اجتماعی در جهان اسلام بود. خلیفه - در دودمان اموی نیز صدق می‌کرد - از مقام سیدسالاری قبیله به خلیفه یک امپراتوری، با گستره اسپانیا تا هند تبدیل شد. قوت گرفتن کار ارباب‌قلم، ازدیاد دیوان‌های دولتی، شکل‌گیری منصب وزارت از تحولات اداری در این دوره به شمار می‌رود. خلفای عباسی کوشیدند با ایجاد دیوانسالاری منسجم و تشکیل ارتش قدرتمند و دائمی قدرت خود را نهادینه کنند و از این رهگذر به حکومت خود مشروعیت بخشند. روند شکل‌گیری دیوان و سازماندهی خلافت از آغاز حکومت به‌ویژه در زمان منصور (۱۳۶-۱۵۸ق) انجام شد. جانشینان او نیز به تناسب و موقعیت زمان، در نظام دیوانی و ساختار حکومت، تغییراتی انجام دادند.

امور دولتی (سیاسی، اداری، دیوانی، قضایی) در قالب دیوان سازماندهی شد. مهم‌ترین نهاد ایجاد شده در سازمان حکومت پیدایش منصب وزارت بود. گرچه خلیفه در رأس حکومت قرارداد داشت، اما همه اختیارات حکومتی میان وزیر و صاحبان دیوان تقسیم شد. در واقع خلیفه از طریق وزارت و دواوین دولتی بر قلمرو اسلام، جمع‌آوری مالیات و اداره ارتش نظارت داشت. گذشته از ایجاد منصب وزارت که ذکر آن رفت، خلفای عباسی مقدمات ورود خیل عظیمی از عناصر جمعیتی غیرعرب را به جامعه اسلامی فراهم کردند و لشکریان غیرعرب از ایرانی و حتی غلامان زرخرید ترک اساس و پایه سپاه خلیفه را تشکیل دادند. در حقیقت این عناصر تازه‌وارد بودند که سازمان سیاسی، دیوانی و نظامی دولت را پی‌ریزی کردند.

بنابراین تکوین و تکامل دیوانسالاری قدرتمند در قلمرو حکومت عباسی را می‌توان از تحولات مهم در این دوره دانست. این پژوهش سعی دارد تا نظام اداری و ساختار سیاسی خلافت عباسی را از آغاز پیدایش (۱۳۲ق) تا اواسط قرن چهارم هجری (۳۳۴ق) بر مبنای نظام اقتدار سنتی ماکس ویر واکاوی نماید. بنابراین بررسی ماهیت و ویژگی‌های تشکیلات دیوانسالاری و نظام سیاسی حکومت عباسی به عنوان نمونه‌ای از نظام پاتریمونیا - بوروکراتیک اسلامی، مسئله اصلی این پژوهش است.

چارچوب نظری

به منظور فهم نظریه پاتریمونیاالیسم - بوروکراتیک، نخست انواع اقتدار در اندیشه ماکس وبر بیان می‌شود. به نظر وی اگر سیادت (سلطه) مبتنی بر باورها و روابط و ارزش‌های سنتی باشد، سیادتی سنتی^۱ است. اگر سلطه، مبتنی بر پذیرش قانون باشد، قانونی - عقلایی و سرانجام، سیادتی که مبتنی بر ارتباط درونی (عاطفی-ارزشی) بین یک رهبر کاریزمایی از یک سو و پیروان وی از سوی دیگر باشد، سیادتی کاریزماتیک است.^۲

از آنجایی که این پژوهش به حاکمیت اقتدار سنتی و از آن بین نظام پاتریمونیاالی - بوروکراتیک وبر تکیه دارد، لازم است به اختصار به آن پرداخته شود.

سلطه (سیادت) سنتی: در این نظام، منشأ اقتدار و تعیین رهبر، عادات و سنت است. در این نوع از سلطه، پیروان به سبب اعتقاد به قواعد قراردادی^۳ یا اعتبار موقعیت و مقامی که به پشتوانه سنت ایجاد شده است، از فرمانروا پیروی می‌کنند.^۴ اقتدار سنتی در اصل متشکل از نظام‌های پدرسالاری (پاتریارکال)^۵، پاتریمونیاالی^۶ و فئودالیسم^۷ است. نظام پدرسالاری منشأ و شکل اولیه نظام پاتریمونیاالی است و فئودالیسم هم نظام سیاسی شکل گرفته از تقسیم و تجزیه نظام پاتریمونیاالی است. نخستین ملاک برای نمونه‌شناسی نظام‌های متفاوت سنتی از یکدیگر، وجود و یا عدم وجود سازمان اداری است. نظام‌های پدرسالاری و سالمندسالاری^۸، دو نمونه از نظام‌های سنتی که سازمان اداری ندارند و نظام پاتریمونیاالی و فئودالی که در تاریخ سازمان‌های سیاسی اهمیت بسیار دارند، دارای سازمان اداری هستند.^۹ پدرسالاری و سالمندسالاری ابتدایی‌ترین نمونه‌های سلطه مشروع سنتی‌اند که در آن فرمانروا فاقد کارگزار شخصی برای اداره امور است.^{۱۰}

1. Traditional
2. Charisma
3. Stipulated

۴. رینهاد بندیکس (۱۳۸۲)، *سیمای فکری ماکس وبر*، ترجمه محمود رامبد، تهران: هرمس، ص ۳۲۱.

5. Patriarchal
6. Patrimonial
7. Feudalism
8. Gerontocracy

۹. احمد اشرف (۱۳۵۷)، *جامعه‌شناسی ماکس وبر*، تهران: هومن، ص ۸۱-۸۰.

۱۰. فرانک پارکین (۱۳۸۴)، *ماکس وبر*، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران: ققنوس، ص ۱۱۴.

مفهوم پاتریمونیال در جامعه‌شناسی سیاسی وبر

گفته شد «پاتریمونیالیزم» و «فتودالیزم» از جمله اشکال اقتدار سنتی هستند که سازمان اداری دارند. با توجه به سیر اقتدار سنتی و روش‌شناسی وبر، می‌توان با قطعیت بیان کرد که سلطه پدرسالار با گسترش و تکامل به نظام پاتریمونیال تبدیل می‌شود. سلطه پاتریمونیال (موروثی) که از نظر وبر معمولی‌ترین شکل سلطه سنتی است، شکل توسعه‌یافته سیاسی، اداری و اقتصادی پدرسالاری است که با گسترش قلمرو و تخصیص اراضی به اعضای خاندان به شکل نظام سیاسی پاتریمونیال در می‌آید. بنابراین در تحولات نظام‌های سیاسی وبر، سلطه پدرسالار مبنای سلطه پاتریمونیال است.

پاتریمونیال؛ صورتی از حاکمیت سیاسی سنتی است که در آن یک خاندان پادشاهی، قدرت جابرانه را از طریق دستگاه دیوانی اعمال می‌کند. از نظر وبر، مهم‌ترین منشأ پیدایش پاتریمونیالیزم، ساخت قدرت موسوم به پدرشاهی است. ترنر از شارحان آثار وبر، فرایند تبدیل نظام پدرشاهی به پاتریمونیالیزم را چنین توضیح می‌دهد: «پدرشاهی، که شکل سنتی و ابتدایی‌تری نسبت به پاتریمونیالیزم دارد، مبین سلطه یک ارباب یا خان بر عشیره خود است. ستاد اداری چنین ساخت قدرتی مستقیماً از خانواده گسترده رئیس طایفه گمارده می‌شوند. اما به هنگام گسترش نقش‌ها و وظایف دیوانی، اعضای دودمان حاکم برای اداره امور به تنهایی کفایت نمی‌کنند، از این‌رو حاکم پاتریمونیال ناچار به گماردن خیل عظیمی از بردگان به درون دستگاه دیوانی خود می‌شود که مناصب نظامی و اداری را اشغال می‌کنند؛ از اینجاست که پدرشاهی به سلطه موروثی بدل می‌شود».^۱ گسترش اقتدار سیاسی حاکم، ایجاب می‌کند که به بستگان برگزیده‌اش مسئولیتی واگذار کند. در این شرایط دستگاه اداری ظهور می‌کند؛ که البته به طور نامحسوسی اختیارات انحصاری فرمانروا تصرف می‌شود.^۲ به این ترتیب با رشد دستگاه اداری و نیروی نظامی، سلطه سنتی به صورت پاتریمونیالیزم تکامل پیدا می‌کند.^۳ حاکم پاتریمونیال برای اداره گسترده قلمرو خود

۱. برایان ترنر (۱۳۸۸)، *اسلام و وبر*، ترجمه حسین بستان و دیگران، قم: حوزه و پژوهشگاه، ص ۱۵۸.

۲. ماکس وبر، ص ۱۱۶.

۳. *جامعه‌شناسی ماکس وبر*، ص ۸۵.

نمی‌تواند تنها به وابستگی شخصی کفایت کند، بنابراین دستگاه اداری محدود به چارچوب اعضای خاندانی وی نیست. به همین جهت ادارات مرکزی تأسیس می‌شود و به طور معمول مقامات عالی‌رتبه بر آن نظارت می‌کنند.

پاتریمونالیسم گسترده‌ترین، پیچیده‌ترین و برجسته‌ترین نوع سلطه سنتی است که اساس و مبنای حاکمیت می‌باشد. حاکمیت پاتریمونیا ل از یک سو، مبتنی بر تشکیلات اداری، نظامی، اقتصادی و حقوقی است و از سوی دیگر، حاکمیت شخصی متعلق به یک شخص و خاندان می‌باشد. حاکم هرچند دارای قدرت مطلق برای فرمان دادن به پیروان خود است، اما از سوی سنت و رسوم کنترل می‌شود. در اندیشه سیاسی وبر، سلطه سنتی پاتریمونیا ل حاکمیت ساختاری مبتنی بر تشکیلات اداری، نظامی و... است که گرایش‌های متعدد دارد؛ نظام پاتریمونیا ل خالص و مرتبه‌ای و به لحاظ ساختاری؛ حاکمیت پاتریمونیا ل بوروکراتیک است. در نظام پاتریمونیا ل- بوروکراتیک، دو مفهوم متضاد وجود دارد؛ پاتریمونیا ل به عنوان نظام سنتی، شخصی و گرایش خودکامه فرمانروا و از سوی دیگر سیادت عقلانی غیرشخصی. نظام پاتریمونیا ل - بوروکراتیک در واقع به دیوانسالاری سنتی در سیادت پاتریمونیا ل اشاره دارد که دارای مشخصه‌های ظاهری بوروکراتیک است، اما سلطه پاتریمونیا ل - بوروکراتیک با نظام عقلانی - قانونی و غیرشخصی که مبتنی بر قوانین اداری بوروکراتیک است، تفاوت دارد. گرچه نظام اداری پاتریمونیا ل - بوروکراتیک به سبب سنت‌گرایی، ضعف ارتباط و وسایل ارتباطی و استبداد شخص حاکم دارای تمرکز و قدرت نظامی مانند بوروکراسی مدرن نیست؛ اما با وجود این از قدرتمندترین تشکیلات حکومتی است که قبل آن نظام، بشر تجربه کرده است. در درون نظام پاتریمونیا لسم روند دیگری نیز شکل می‌گیرد که همان «نظام سلطانی»^۱ است. سلطانیسم؛ افراطی‌ترین شکل اقتدار پاتریمونیا ل است که قدرت به شکل کاملاً شخصی و طبق اراده حکمران و فارغ از محدودیت‌های ناشی از قانون و دیوانسالاری و حتی سنت اعمال می‌شود. سلطانیسم ساختاری متفاوت از پاتریمونیا لسم نیست بلکه صرفاً روندی متفاوت در ساختار پاتریمونیا ل است. هنگامی که حاکم پاتریمونیا ل از سنت، به سمت سیاست‌های خودکامه

گرایش پیدا کند، نظام سیاسی شکل گرفته، «نظام سلطانی» است. شهابی می‌نویسد: «پاتریمونالیسم و در حالت افراطی، نظام سلطانی معمولاً هنگامی پدیدار می‌شوند که سلطه‌گر سنتی، دستگاهی اداری و نیرویی نظامی ایجاد می‌کند که صرفاً ابزار شخصی فرمانرواست در جایی که سلطه اساساً سنتی است، ولو آنکه از طریق اراده شخصی فرمانروا اعمال گردد، آن را اقتدار پاتریمونالیسم می‌نامیم و در مواردی که سلطه بر مبنای اراده شخصی اعمال شود، سلطانی نامیده می‌شود...، اقتدار گسترش افراطی اراده شخصی فرمانرواست»^۱.

شکل‌گیری نظام پاتریمونالیسم خلافت عباسیان

با ظهور اسلام، قبایل عربی به عنوان یک واحد سیاسی مستقل در عرصه تاریخی قرار گرفتند و مقدمات تشکیل حکومت برای آنها فراهم شد. در حقیقت شکل اولیه نظام پدرسالاری دولت‌های عربی از زمان ظهور اسلام شکل می‌گیرد. در این معنا، دولت عباسی با مفهوم نظام اولیه پدرسالاری قابلیت انطباق ندارد. عباسیان شاخه‌ای از خاندان هاشمی بودند که توانستند از مشکلات سیاسی و اداری اموی نهایت استفاده را برده و خود به عنوان جانشینان بر حق پیامبر وارد صحنه سیاسی شوند. آنها برای دستیابی و تشکیل حکومت، تلاش گسترده‌ای آغاز کردند؛ ایجاد شبکه‌ای منظم سازمانی و تبلیغات داعیان، زمینه‌ای در درون دولت ایجاد کرد که به لحاظ ساختاری آن را متحول ساخت.

تشکیلات اولیه، نظارت مستقیم و شخصی امام عباسی بر تمام امور خاندان بود. علی بن محمد بن عبدالله بن عباس به عنوان رئیس و بزرگ خاندان عباسی، در تمام مراحل دعوت خود، رهبری آن را به عهده گرفته بود. نقش رهبری امامان عباسی و شناخت نسبی آنها از حکومت‌داری و چگونگی ارتباط با داعیان، انسجام درونی و مشارکت جمعی خاندان عباسی، درگیری‌های سیاسی امویان، نبود تمرکز اداری و سیاسی در خراسان که در پیشبرد قدرت سیاسی عباسیان نقش مهم داشت؛ حمایت گروه‌های غیرعرب که به واسطه نداشتن تشکیلات دیوانی منسجم و فراگیر به خدمت عباسیان درآمد بودند، تأثیر مهمی در

۱. هوشنگ شهابی و دیگران (۱۳۸۰)، *نظام‌های سلطانی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: شیرازه، ص ۱۳.

حاکمیت خلافت عباسی بر مبنای نظریه اقتدار سنتی ماکس وبر ۷۹

شکل‌گیری تشکیلات نظام پاتریمونیالیسم عباسی داشت. به این ترتیب، عباسیان با درک فقدان ساختار سیاسی و اداری امویان و مشارکت موالی غیرعرب خلافت اسلامی را به دست آوردند.

به نظر وبر، گسترده‌گی قلمرو و وسعت ساختار اولیه درباری و نظام اداری خاندانی، مبنای اساس شکل‌گیری و تحول از نظام پدرسالاری به نظام پاتریمونیالیست است. وبر اعتقاد داشت سلطه پدرسالار در تحول به نظام پاتریمونیالیست، به سبب نیازها و ضرورت‌های خاص، عناصری بیرون از خاندان خود را به خدمت می‌گیرد.^۱ نظام پاتریمونیالیست طبق ضرورت اداری مجموعه‌ای از صاحب‌منصبان را به خدمت می‌گیرد که از وابستگان و اعضای خاندانی نیستند، بلکه از تابعان حاکم پاتریمونیالیست هستند. پرسشی که مطرح می‌شود این است که در شکل‌گیری نظام پاتریمونیالیست - بوروکراتیک عباسی علاوه بر تداوم نظام اداری دولت‌های پیشین، چه شرایط و ویژگی‌های دیگری نقش داشتند؟

وبر موقعیت جغرافیایی و برخورداری از منابع طبیعی چون رودخانه و ساختار نظامی خاص را زمینه تشکیل دیوانسالاری متمرکز و منسجم می‌داند.^۲ موقعیت جغرافیایی منطقه عراق و تعیین مرکزیت آن و وظیفه دفاع از مرزهای خلافت اسلامی، سبب قدرت نظامی حکومت بود؛ اما عامل مهم، راه یافتن موالی غیرعرب به جامعه اسلامی و سهیم شدن آنها در اداره حکومت است. زیرا نظام اداری پاتریمونیالیست - بوروکراتیک ساختاری بود که دولت عباسی پیشتر با آن آشنایی نداشته، بلکه برقراری این نظام تحت تأثیر سنت‌های ایرانی بود. تداوم نظام دیوانسالاری (بوروکراسی)، از نکات مهم در نظریه سازمان اداری وبر است که حتی با تغییر نظام‌ها و وقوع انقلاب در جامعه دیده می‌شود.^۳ الگوبرداری عرب از سازمان اداری و سیاسی ساسانی و بیزانس استمرار نظام دیوانسالاری را در جوامع اسلامی نشان می‌دهد.^۴ در حقیقت دبیران و ادیبان و منشیان که حاملان سنت و تفکر ایرانی بودند، عامل

۱. ماکس وبر (۱۳۸۴)، *اقتصاد و جامعه*، ترجمه عباس منوچهری، تهران، سمت، ص ۳۶۹.

۲. سیمای فکری ماکس وبر، ص ۳۶۶.

۳. منوچهر صبوری کاشانی (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی سازمان‌ها*، تهران: سخن، ص ۱۲.

۴. برای آگاهی از تداوم و استمرار نظام اداری و تشکیلات مالی امپراتوری ساسانی در ساختار سیاسی، اداری و مالی خلافت عباسی نک: ریچارد فرای (۱۳۴۴)، *میراث باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا،

مهمی در شکل‌گیری نظام اداری پاتریمونیال - بوروکراتیک خلافت بودند. چنان‌که نهاد وزارت،^۱ نقش و اختیارات آن از تشکیلات دیوان‌سالارانه دولت پاتریمونیال عباسی بود، که با الگوبرداری از نظام اداری ایران شکل گرفت.^۲ عصر اول عباسی، دوره شکل‌گیری ساختار اداری پاتریمونیال - بوروکراتیک دوره‌ی اقتدار خلیفه، وزارت و نظام دیوانسالاری است.

ویژگی‌های نظام پاتریمونیال عبارت است از:

۱. شخصی بودن امر سیاست: جامعه پاتریمونیال مبتنی بر روابط شخصی است؛ جامعه در واقع سبک خانواده گسترده است که شبکه روابط شخصی و پیوندهای غیررسمی بر آن غلبه دارد.

۲. تقرب: به‌رغم همه مناصب و مشاغل و عناوین رسمی، تقرب فیزیکی به حاکم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و هرکس به وی نزدیک‌تر باشد، موقعیت سیاسی بهتری دارد.

۳. ستیزه‌متوازن: نظام پاتریمونیال بر فراز تفرقه بنا شده، دشمنی و رقابت ناسالم میان اطرافیان از اهدافی است که حاکم به دنبال استقرار آن است.

تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب؛ کلمان هواز (۱۳۸۶)، *ایران و تمدن ایرانی*، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.

۱. منصب وزیر و نهاد وزارت، که در پی گسترش امور اداری در دوره‌ی عباسیان شکل گرفت و در میان تمام حکومت‌های اسلامی رایج شد، تقلیدی از مقام وزارت ساسانی بود؛ زیرا با بررسی مناصب ایران باستان، این مقام در سلسله مراتب اداری با عنوان وزیر بزرگ یا «وزرگ فرمذار» وجود داشته‌است؛ یعقوبی (۱۳۷۹)، *تاریخ یعقوبی*، ج ۱، بیروت: دارصادر، ص ۱۷۷؛ ابوالحسن مسعودی (۱۳۵۷)، *التنبیه و الاشراف*، تصحیح عبدالله اسماعیل، قاهره: مکتبه التاریخیه، ص ۹۰-۹۱؛ آرتور کریستین سن (۱۳۸۷)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: زرین، ص ۱۳۸-۱۳۹.

۲. جهشیاری (۱۹۳۸)، *الوزراء و الكتاب*، تصحیح مصطفی السقا، قاهره: مطبعه الحلبي و اولاده، ص ۲۰۴؛ محمد بن جریر طبری (بی‌تا)، *تاریخ الرسل و الملوك*، تصحیح محمدابوالفضل ابراهیم ج ۸، ص ۴۲۴، ۲۵۶، ج ۹، ص ۱۹؛ محمد بن طقطقی (۱۴۱۴ق)، *الفخری فی آداب السلطانیه*، قم: منشورات الشریف الرضی، ص ۱۵۳.

حاکمیت خلافت عباسی بر مبنای نظریه اقتدار سنتی ماکس وبر ۸۱

۴. لیاقت نظامی‌گری: پاتریمونیاال به عنوان نوعی اقتدار سنتی، دارای دیوانسالاری لشکری و کشوری بزرگی است که به هنگام گسترش قلمرو و تبدیل آن به قلمروهایی فراپاتریمونیاال، نیروی نظامی ایجاد می‌شود تا انجام وظایف عمومی را تضمین کنند.^۱

۵. توجیه‌دینی: حاکم، خلیفه و سایه خدا بر زمین است و همین اتصال به امور الهی و غیرزمینی، مشروعیت او را توجیه می‌کند.^۲

این ویژگی‌ها یعنی روابط یک‌سویه قدرت، استبداد رأی و وابستگی ساختار سیاسی به شخص خلیفه، نقش صوری دیوانسالاری و مبارزه پنهان بر سر قدرت و اعطای مناصب براساس میزان سرسپردگی افراد و تقرب به شخص خلیفه، رقابت رجال دولتی، اتکا به نیروی نظامی و ارتش و سرانجام تکیه بر مشروعیت دینی - الهی در قالب نمایندگی خدا و ظل‌اللہی از ویژگی‌های ساخت نظام پاتریمونیاالسم عباسی است که کم و بیش با ساختار سیاسی آن هماهنگی دارد.

خلفای عباسی از همان روزهای نخست حکومت، بر حقانیت و مشروعیت خلافت خود، تأکید داشتند که می‌توان تلاش آنها را در خطبه سفاح، نخستین خلیفه، در مسجد کوفه و سخنان منصور - که خود را «ظل‌الله» نامید- دریافت. طبری گفتاری را به سفاح منسوب کرده که در مسجد کوفه به سال ۱۳۲ق، ایراد شده و در آن خلافت و اقتدار عباسیان از طریق حکم و فرمان الهی توجیه شده‌است: «حمد خدای را که اسلام را انتخاب کرد و آن را برای ما برگزید و به وسیله ما تأیید کرد و ما را اهل و پناه آن قرار داد... بدانید قدرت میان ما هست و بیرون نمی‌رود تا آن را به عیسی بن مریم تسلیم کنیم و ستایش خدای را از آنچه به ما داد و به ما سپرد».^۳

در نظام پاتریمونیاال، کارگزاران اداری توسط حاکم انتخاب و گزینش می‌شوند. افرادی که به وی وفادار هستند؛ از غلامان، وابستگان و یا افرادی که به دلیلی مورد عنایت شخص

۱. سیمای فکری ماکس وبر، ص ۳۶۴.

۲. سعید حجاریان، «ساخت اقتدار سلطانی؛ آسیب پذیری‌ها؛ بدیل‌ها»، نشریه اقتصاد، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۹۲-۹۱، ۱۳۷۴، ص ۴۸، ۴۷.

۳. تاریخ‌الرسول و الملوک، ج ۷، ص ۴۲۸، ۴۲۵.

فرمانروا قرار می‌گیرند، انتخاب می‌شوند. در ابتدای شکل‌گیری حکومت عباسی، در کنار خاندان عباسی، اعراب یمانی و موالی غیرعرب (ایرانیان) شرکت داشتند، سپس ترکان، مناصب سیاسی و اداری را به عهده گرفتند. غلبه ترکان بر خلافت و به دست گرفتن مناصب حکومت بود که وبر در بررسی نظام پاتریمونیال در جوامع اسلامی اظهار نظر کرده است که گاه در سازمان اداری غلامان و مردان آزاد حتی به عالی‌ترین مقامات نایل می‌شوند؛ و بسیاری از وزرای اعظم در مشرق زمین کسانی بودند که از گمنامی به درجات بالا رسیدند.^۲

دگرگونی نظام پاتریمونیالیسم عباسی

بحث نظری: مناصب درباری و سلطنتی، اولین مشاغل شکل گرفته در ابتدای دولت پاتریمونیال است؛ چرا که زمینه را برای شکل‌گیری سازمان اداری پاتریمونیال - بوروکراتیک فراهم می‌کند.^۳ در نظام پاتریمونیال، گسترش قلمرو حاکم و قدرت‌گیری مقامات عالی، به تدریج اتباع سیاسی و وابستگان شخصی از اطاعت و نظارت فرمانروا خارج می‌شوند و اقتدار وی به خطر خواهد افتاد؛^۴ که در نهایت این امر، به عدم تمرکز قدرت می‌انجامد. البته از سویی نبود مقام عالی قدرت، حکومت مرکزی را با بی‌ثباتی همراه کند.

دیوانیان، نظامیان و علمای دینی در نظام پاتریمونیال - بوروکراتیک عباسی مقامات و مناصب حکومتی را در انحصار خود داشتند. دیوانیان عهده‌دار تشکیلات اداری و دیوانی، نظامیان، مناصب لشکری و مناصب مذهبی در اختیار علمای دینی بود. تشکیلات دولتی از طریق آنها اداره و درآمدهای حکومتی بین آنها تقسیم می‌شد. تخصیص مناصب حکومتی در انحصار سه طبقه، از لحاظ ساختاری، نظام پاتریمونیال عباسی با انواع نظام پاتریمونیال

۱. جامعه‌شناسی ماکس وبر، ص ۷۹.

۲. اقتصاد و جامعه، ص ۴۲۹.

۳. همان، ص ۳۷۱؛ سیمای فکری ماکس وبر، ص ۳۷۲.

۴. اقتصاد و جامعه، ص ۳۷۲.

حاکمیت خلافت عباسی بر مبنای نظریه اقتدار سنتی ماکس وبر ۸۳

خالص و نظام پاتریمونیال مرتبه‌ای مطابقت دارد. در نوع مرتبه‌ای، دیوانیان ابزار اداری و دیوانی را کامل و یا به نسبت در اختیار دارند که پاتریمونیالیسم مرتبه‌ای خلافت عباسی از آغاز شکل‌گیری تا دوران خلافت متوکل (۲۳۲-۲۴۷ق) و همچنین دوره معتضد (۲۷۹-۲۸۹ق) تا دهه آخر خلافت مقتدر (۲۹۵-۳۲۰ق) بود. با تسلط غلامان سپاهی ترک بر اداره مملکت، ساختار قدرت عباسی پاتریمونیالیسم خالص^۱ است که دیوانیان به طور کامل از ابزارهای اداری جدا بودند.

در نظام‌های پاتریمونیال، فرمانروا همه امور اداری و نظامی حکومت را ملک خود می‌پندارد و خود را مالک اتباع خویش می‌داند؛ بنابراین همه‌ی مقامات، تحت تسلط کامل شخص فرمانروا هستند. این مقامات تا زمانی که فرمانروا به آنها اعتماد کامل دارد از نزدیکان و خواص وی محسوب می‌شوند؛ اما با گسترش قدرت و غلبه مقامات بر شخص حاکم، وی ایشان را تهدیدی برای قدرتش احساس^۲ کرده و تلاش می‌کند تا استقلال صاحبان قدرت را به حداقل برساند؛^۳ در غیر این صورت اقدام به برکناری و قتل آنها می‌کند. بنابراین جابجایی سریع و بی‌ثباتی سیاسی کارگزاران از ویژگی‌های جوامع پاتریمونیال است.^۴ عزل، سقوط و قتل وزرا، نخبگان سیاسی و خاندان‌های اداری و دیوانی در تاریخ خلافت عباسی، در راستای احیای قدرت خلیفه بود. قتل ابوسلمه خلال، نخستین وزیر دولت، ابومسلم خراسانی، از دعوت‌گران دولت، طاهر بن حسین، سرسلسله دودمان طاهری، و... خلع و برکناری برمکیان و قتل سهل بن ذوالریاستین توسط مأمون^۵ همه و همه به این علت بود که خلیفه عباسی به وفاداری و سرسپردگی آنها ظنن می‌شد و یا اقتدار خود را در خطر می‌دید که این امر از خصایص نظام‌های پاتریمونیال - بوروکراتیک است. پیامد برکناری و قتل نخبگان سیاسی و دیوانی، ضعف ساختار سیاسی و اداری

۱. همان، ص ۳۷۱.

۲. سیمای فکری ماکس وبر، ص ۳۷۵.

۳. ویر و اسلام، ص ۱۵۸.

۴. همان، ص ۱۵۹.

۵. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۵۱؛ الفخری فی آداب السلطانه، ص ۳۵، ۲۸.

حکومت بود. از علل دیگر جدایی مقامات از حکومت، زمانی بود که صاحب‌منصبان دولتی در صدد بودند منصب و امتیازات و یا وظایفی که در ازای مبلغ و یا خواست فرمانروا به دست آورده، مادام‌العمر و یا آن را موروثی کنند؛^۱ در این صورت از لحاظ سنتی میان خلیفه و مقامات جدایی اتفاق می‌افتاد. بنابراین صرف وجود دیوانسالاری نمی‌توانست نظام قدرتمند سیاسی به وجود آورد. از این رو گاه حکومت نیازمند نیروی نظامی وفادار بود، چراکه نظامیان نیز از ابزار اساسی اعمال سلطه در حکومت پاتریمونیا ل محسوب می‌شد.^۲ به نوشته وبر در نظام پاتریمونیا ل، پنج سازمان نظامی شکل می‌گیرد. در این میان، سپاهیان متشکل از بردگان که به کلی از زراعت جدا بودند، با سازمان نظامی دولت عباسی همخوانی دارد. با فروپاشی ارتش عرب، خلفا به بردگان متکی شدند و با خرید و آموزش نظامی آنها، ارتشی منظم برای خود شکل دادند.^۳ در حقیقت تأمین و به کارگیری غلامان در مشاغل نظامی در تجربه‌های سیاسی جوامع شرقی مانند خلافت عباسی و... دیدگاه وبر را درباره ساختار نظامی دولت‌های پاتریمونیا ل اسلامی شکل داده بود. او ساختار نظامی دولت‌های پاتریمونیا ل اسلامی را دارای ویژگی‌های متشکل از قوای نظامی پاتریمونیا ل و تا حدی نیمه پاتریمونیا ل می‌داند. اگر فرمانروای پاتریمونیا ل هر چه بیشتر به مزدوران خود و یا ارتش متکی باشد، برای مقهور ساختن مردم به قدرت آنها وابسته‌تر می‌گردد؛ در نتیجه در اندک زمانی ارتش‌های مزدور، املاک و دیگر امتیازات را به زور از حاکم پاتریمونیا ل دریافت می‌کنند.^۴ حضور نظامیان در حکومت، سبب شکل‌گیری روندی دیگر در نظام‌های پاتریمونیا ل می‌شود که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

عباسیان در استقرار قدرت خود به نیروی نظامی متکی بودند. در این عصر، فتوحات گسترده پایان‌یافت، بنابراین نیاز به نیروی نظامی و لشکری، به جز در مناطق مرزی وجود نداشت؛ اما اهمیت قوای نظامی و ارتش نیرومند برای تقویت و تأمین امنیت داخلی، ثبات

۱. جامعه‌شناسی ماکس وبر، ص ۹۱؛ سیمای فکری ماکس وبر، ص ۳۷۸.

۲. جامعه‌شناسی ماکس وبر، ص ۸۹.

۳. اقتصاد و جامعه، صص ۳۹۶، ۳۹۵.

۴. اسلام و وبر، ص ۱۵۸.

سیاسی و حفظ قدرت ضروری بود. ارتش عباسیان در آغاز ترکیبی از عناصر خراسانی و عرب بود، به این ترتیب سپاه مفهومی فراقومیتی داشت. تکیه و اعتماد خلیفه به سپاه ایرانی تنها به این منظور نبود که با یاری و کمک آنها به قدرت رسیده بودند، بلکه تعصب و اختلاف قبایل عرب، سبب توجه و توسل خلفا به استفاده از نیروهای غیرعرب گردید. با تیرگی روابط خلیفه با ایرانیان، به تدریج نیروی ترک، تکیه‌گاه سپاه گردید. معتصم^۱ (۲۱۸-۲۲۷ق) به جهت تبار مادرش و بر حسب ضرورت^۲ ترکان را که به سلحشوری و دلاوری و چالاکي در نبرد معروف بودند، وارد سپاه کرد^۳ و به تدریج عرب و ایرانیان را از حکومت دور نمود.^۴ پایان این رابطه، دگرگونی بنیادی و مهمی در ساختار سیاسی، اداری و نظامی حکومت به وجود آورد. به نظر می‌رسد یکی از دلایل تکیه و اعتماد بیش از حد

۱. مسعودی (۱۴۲۲ق)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ج ۴، تصحیح شارل پلّا، قم: الشریف الرضی، ص ۵۵۵؛ *التنبیه و الاشراف*، ص ۳۰۷؛ محمد بن یوسف کندی (۱۹۰۸)، *الولاه و القضاء*، ص ۱۹۳؛ لازم به ذکر است که حضور ترکان در دربار، از آغاز خلافت بود و منصور (۱۵۸-۱۳۶ق) اولین خلیفه‌ای بود که ترکان را به خدمت‌گرفت و خلفای بعدی نیز از وی پیروی کردند؛ *تاریخ الرسل و الملوک*، ج ۸، ص ۲۳۴؛ طبری در ذیل حوادث ۲۰۲ق نوشته‌است: «با شورش خوارج به سال ۲۰۲ق ابراهیم بن مهدی نیروهایی برای نبرد فرستاد که غلامان ترک نیز در سپاه حضور داشتند»، همان، ج ۸، ص ۵۵۸. شاید بزرگترین خطا این بود که ترکان تنها تکیه‌گاه خلافت شدند و خلیفه اقدام به حذف عناصر ایرانی و عرب کرد.

۲. اعراب به سبب شورش‌ها و درگیری با خلافت و از دست دادن مؤلفه‌های سیاسی و نظامی، مورد اعتماد خلیفه نبودند، *الفخری*، ص ۲۳۱؛ روابط خراسانیان و عباسیان در پی جنگ داخلی امین و مأمون تیره شده بود و تشکیل حکومت طاهری (۲۵۹-۲۰۷ق) نیز حاکی از این دگرگونی بود. علاوه بر این، نظریه اندیشه‌شناختی با رویکردی مذهبی در برکشیدن ترکان وجود دارد؛ ولوی معتقد است «چون خلیفه المتوکل در صدد حذف عقیده معتزله بود، ترکان را برکشید. زیرا سادگی ذهنی و سنن قبیله‌ای، سنخیت ترکان بیشتری با سنت‌گرایی عربی داشت»؛ علی محمد ولوی (۱۳۸۰)، *دیانت و سیاست*، تهران: دانشگاه الزهراء، ص ۱۸۱-۱۸۲.

۳. اصطخری (بی‌تا)، *مسالک الممالک*، تهران: صدر، ص ۲۲۹.

۴. *الولاه و القضاء*، ص ۱۹۳.

معتصم به بردگان ترک تبار، برکناری نخبگان نظامی عرب بود.^۱ سلطه اسمی و رسمی ترکان بر خلیفه و حکومت،^۲ عدم تجربه اداری و دیوانی و نداشتن پشتوانه معنوی و فرهنگی، عنصر ترک پیامدهایی برای حکومت به همراه داشت. ضعف ساختار سیاسی و فروپاشی تمرکز اداری و تشکیلات دیوانی حکومت را می توان از تحولات سیادت سپاهیان ترک دانست. اما پیامد مهم دیگر سیادت ترکان، رشد و گسترش فعالیت های جدایی طلبی امیران مناطق مختلف اسلامی^۳ به ویژه ایران و مصر بود.^۴ مشکل، زمانی بحرانی تر شد که نظام پاتریمونیل عباسی از مهار دست اندازی ارتش مزدور بر سیاست، ناتوان ماند.^۵

و بر به سیاست های نظامی موجود در دولت های اسلامی پاتریمونیل، که بر مبنای قوای غلامان بوده است، توجه داشته و تحت تأثیر فعالیت های نظامی دولت های اسلامی مفهوم سلطانیسم را مطرح می کند. سلطانیسم؛ در واقع گونه ای از نظام سیاسی پاتریمونیل بود که در آن، سیاست های نظامی گرایانه افراطی در پیش گرفته می شد و حاکم با قطع پیوند با دیگر منابع قدرت در واقع مشخصه اقتدار و مشروعیت را در نظام حکومتی به نفع قدرت نظامی کنار می گذارد و کاملاً متکی به حمایت ارتش پاتریمونیل می شود. در این روند، نظامیان اقدام به عزل و نصب حکام می کنند و گاهی با مرگ حاکم و یا افول قدرت وی، فروپاشی نظام پاتریمونیل و ظهور ناگهانی یک نظام دیگر سیاسی را به دنبال دارد.^۶

۱. ویر و اسلام، ص ۱۶۹.

۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۸۳؛ تاریخ الرسل و الملوک، ج ۹، ص ۱۵۴.

۳. خلیفه حکومت ولایات مختلف را به ترکان واگذار می کرد؛ اما آنها در مرکز می ماندند و از طرف خود نمایندگان و والیانی به مناطق می فرستادند. تلاش های نظامی خلفای عباسی برای احیای قدرت در این نواحی گذشته از آنکه توان نظامی حکومت را فرسوده کرد، سبب شد یک سده بعد سرزمین هایی مثل مصر و شام به حوزه فرمانروایی رقیب دولت عباسی - فاطمیان - الحاق گردد و در قسمت شرق خلافت، دولت های صفاری، زیاری، سامانی تشکیل شود.

۴. حسام قوام السامرائی (۱۳۹۱ق)، *المؤسسات الاداریة فی الدولة العباسیة* (خلال الفتره: ۲۴۷-۳۳۴)، تصحیح عبدالعزیز الدوری، دمشق: مکتبه دارالفتح، ص ۱۴.

۵. ویر و اسلام، ص ۱۵۹.

۶. اقتصاد و جامعه، ص ۳۷۱؛ سیمای فکری ماکس ویر، ص ۳۶۸.

حاکمیت خلافت عباسی بر مبنای نظریه اقتدار سنتی ماکس وبر ۸۷

تسلط نظامیان بر ساختار سیاسی و اداری، روند دیگری در نظام پاتریمونیا ل شکل می‌گیرد که وبر از آن با عنوان نظام سلطانی یاد می‌کند.

در بررسی ماهیت و شرایط نظام سلطانی دوره تسلط ترکان بر خلافت را باید عصر سلطانیسم عباسی بنامیم. عصر سلطانیسم عباسی، با قدرت گرفتن نظامیان ترک از دوران معتصم تا روی کار آمدن آل‌بویه آغاز شد، و با شکل‌گیری منصب نظامی امیرالامرای، حکومت کاملاً به نظامیان رسید. با کاهش اقتدار خلافت و نظارت حکومت مرکزی به تدریج دیوانیان و صاحب‌منصبان اداری و سیاسی عصبان کرده و زمینه جدایی و استقلال خویش را فراهم کردند. اقتدار امرای نظامی و موقعیت اقتصادی نواحی، امکانی بود که به تدریج اختیارات و امتیازات خود را گسترش دهند.

چنانکه پیشتر اشاره شد ماهیت مستبد و قدرت سیاسی حاکم در نظام‌های سنتی نیز سبب شکل‌گیری نظام سلطانی می‌شود. در نظام پاتریمونیا ل، اگر اقتدار در وهله اول، دارای سمت‌گیری سنتی باشد، اقتدار «پاتریمونیا ل» نامیده می‌شود؛ اما زمانی که قدرت پاتریمونیا ل در وهله نخست بر حوزه اراده خودسرانه و آزاد از محدودیت سنتی و اقتدار تأکید داشته باشد آن نظام سلطانی است.^۱ ترنر معتقد است که هر گاه اقتدار پاتریمونیا ل، بر اراده مستبدانه تأکید ورزد، نظام سلطانیسم شکل می‌گیرد.^۲ اقتدار و استبداد خلفای نخست چون منصور و یا موسی الهادی^۳ (۱۶۹-۱۷۰ق)، با رویکرد خودکامگی خلیفه، دوران سلطانیسم را در این دوره رقم زد.

ضعف و فروپاشی نظام پاتریمونیا ل عباسی

از ویژگی‌های نظام پاتریمونیا ل، نقش کارگزاری دیوان‌سالاری برای حاکم است. در نظام پاتریمونیا ل، حاکم در تلاش است با قدرت و اقتدار، خواسته و تمایلاتش را اعمال کند، بنابراین وی مخالف مراکز قدرت است. تعامل قدرت بین حاکم و صاحب‌منصبان در دو

۱. اقتصاد و جامعه، ص ۳۷۱؛ سیمای فکری ماکس وبر، ص ۳۶۸.

۲. وبر و اسلام، ص ۱۵۹.

۳. سیوطی (۱۳۷۱ق)، تاریخ‌الخلفاء، تحقیق محی‌الدین عبدالحمید، مصر: مطبعه السَّعاده، ص ۲۶۲، ۲۸۰.

حوزه شکل می‌گیرد. حوزه نفوذ مستقیم دربار، دیوان و مراکز حکومتی و حوزه غیرمستقیم که همان ایالات دور از مرکز است که از نظارت مستقیم شخص حاکم بیرون و توسط والیان اداره^۱ می‌شود. به این سبب عباسیان به واسطه برخورداری از این نوع ساختار در تشکیلات اداری، سعی در حذف تشکیلات مستقل از صحنه قدرت داشتند و یا درصدد بودند قدرت‌های موجود را تعدیل و بر ساختار سیاسی آنها نظارت نمایند. در مجموع، پاتریمونالیسم عباسی چنان قدرت و اختیاراتی را به خلیفه و تشکیلات حکومتی او می‌داد که می‌توانست قدرت‌های رقیب را در عرصه دینی، اقتصادی و سیاسی حذف و یا آنها را در تشکیلات پاتریمونیاال به خدمت خود درآورد.

چگونگی اداره ایالات و نفوذ و نقش دیوانسالاری مرکزی به عنوان نمادی از نظام پاتریمونیاال - بوروکراتیک در نواحی اهمیت بسیار داشت. ایالات در نظام پاتریمونیاال عباسی دیوانی و یا تابعه بود. ایالات دیوانی، تابع حکومت مرکزی بوده و دیوان مرکزی به این مناطق والی می‌فرستاد که عزل و نصب آنها با نظر خلیفه بود و درآمد آنها به خزانه مرکزی می‌رسید. اگر والیان ایالات، از امرای قدرتمند نظامی بودند، به تدریج امتیازات نظامی و مالی ولایات را به دست می‌گرفتند. خاندان طاهری و سامانی را می‌توان از جمله والیان دیوانی دانست. در کنار ایالات دیوانی، ایالات تابعه نیز وجود داشت که حکومت موروثی داشتند؛ نظام اقطاعی از انواع ایالات تابعه بود. نیاز اقتصادی دولت و یا ضرورت سیاسی سبب شکل‌گیری ایالات تابعه بود. نخستین بار و به طور رسمی در دوره هارون (۱۷۰-۱۹۳ق) بود که خاندان اغلی با این شیوه قدرت را به دست گرفت. گستردگی قلمرو دولت پاتریمونیاال، از مشکلاتی بود که خلیفه به سختی می‌توانست بر تمام قلمرو سرزمین خود نظارت مستقیم داشته و به اجبار اداره بخش‌هایی از حکومت را به والیان واگذار می‌کرد. بعد مسافت و ضعف در امور نظارتی از جمله زمینه‌های مساعدی بود که حکام نواحی دور از مرکز را به سمت استقلال سوق می‌داد. بنابراین در میان عوامل صرفاً سیاسی، رشد وسایل ارتباطی تا حدی معین از اهمیتی برخوردار برای دیوانسالار شدن نظام

1. Max weber, (1987), *Economy and Society*, Edited Ghonthor Roth, university of Colifornia, v: 2, p. 1013

اداری برخوردار است؛ اما وسعت قلمرو حکومت و نبود امکانات حمل و نقل مناسب سبب می‌شد ایالات دور از مرکز هر اندازه فاصله‌شان از حکومت بیشتر باشد، در انجام امور مستقل‌تر عمل کنند. به سبب مشکلات فوق‌الذکر، تشکیلات اداری نظام پاتریمونیال - بوروکراتیک، نمی‌تواند مانع از تجزیه قلمرو خود گردد^۱ و در ایالات دور، دیوانیان پاتریمونیال با گرایش به جدایی و استقلال زمینه تجزیه و تقسیم اقتدار سیاسی فرمانروا را موجب می‌شوند. در چنین شرایطی، وابستگی به خلیفه، صوری و ظاهری است و امرا از دادن خراج، سرباز زده و گاه پرداخت آن با زور همراه بود.

پیامد ضعف نظام اداری و سیاسی نظام پاتریمونیال عباسی، تقسیم حکومت میان مدعیان قدرت بود. در این نظام گرچه به تدریج وحدت سیاسی از میان رفت؛ اما انسجام مذهبی خلیفه تا حدی - صوری - حفظ شد؛ هیچ مقام و نهادی قدرت نداشت و همه، مشروعیت خود را از خلیفه می‌گرفتند. استمداد صاحبان قدرت از مشروعیت الهی و دینی از مهم‌ترین ویژگی‌های پاتریمونیال است که شخص حاکم توانسته است سلطه خود را در طول تاریخ تداوم بخشد. این سنت - مشروعیت الهی و دینی - در جوامع اسلامی نیز راه یافت، به این ترتیب تمام سلسله‌های نیمه‌مستقل و خاندان حکومتگر در صدد بودند که مشروعیت حکومت‌شان را از خلفا به عنوان نمایندگان خدا در زمین کسب کنند. قبل از سقوط عباسیان و هجوم مغول، تمامی سلسله‌های ایرانی از امرای منتخب، چون طاهری و سامانی گرفته تا امیران تحمیلی صفاری و بویه؛ همچنین امیران غرب حکومت؛ طولونی و اخشیدی، تماماً به جد طالب دریافت عهد و لوای خلافت بودند. چراکه ارسال فرمان از سوی خلافت به منزله امضای مشروعیت دینی حکومتشان قلمداد می‌شد.

استمداد خاندان حکومتگر، از اقتدار مذهبی خلیفه بود که ترنر نوشته است که تاریخ پیدایش امپراتوری اسلامی را باید رشد سلطه‌ی موروثی حول محور خلافت دانست.^۲ در حقیقت، شکل‌گیری خاندان حکومتگر حاکی از آن بود که خلیفه دیگر اعطا کننده اقتدار نیست، بلکه آن را صرفاً مشروعیت دهنده‌ی حقوقی می‌دانستند که با زور به دست آمده

۱. اقتصاد و جامعه، ص ۴۲۵.

۲. وبر و اسلام، ص ۱۶۳.

بود. وقتی مغولان خلافت بغداد را از بین بردند، فقط همین بود که گام آخر را بردارند و اعلام کنند که حقوق به دست آمده از راه زور، به خودی خود مشروع است و قدرت نظامی سازنده امامی قانونی^۱ شد.^۲

فرجام نظام پاتریمونیالیسم عباسی

سنجش و ارزیابی ساختار سیاسی و اداری جامعه عصر عباسی، نشان می‌دهد که با مفهوم پاتریمونیال انطباق کلی ندارد. با این حال ساختارهای جامعه عصر عباسی، از حداکثر ویژگی‌های نظام پاتریمونیالیسم برخوردار بوده است. ساختار حکومت عباسی، از موانع توسعه آن بوده که این ساختار ریشه در جامعه آن عصر داشته است. و بر در بررسی نظام‌های پاتریمونیالیسم، معتقد است که سلطه پاتریمونیال دگرگونی پیدا کرده و به سمت بوروکراسی و عقلانیت متحول می‌شود؛ اما وی به تحولات و تغییرات نظام پاتریمونیال در جوامع اسلامی اشاره نکرده است. از طرفی، با توجه به متفاوت بودن روندهای تحول و دگرگونی در جامعه غربی با جوامع اسلامی تطبیق دگرگونی‌های جوامع غربی با تحول نظام پاتریمونیال اسلامی نیز فاقد کارایی بوده است؛ اما در فرجام نظام پاتریمونیال، و بر نوشته است که با گسترش دریافت مالیات از مردم و نابسامانی اوضاع اقتصادی و نظامی شدن فزاینده امپراتوری و غلبه نظامیان بر سازمان اداری، پیامد مهمی برای حکومت به دنبال دارد و آن گسترش اقطاع یا تجزیه و سقوط حکومت است.^۳ ساختار سیاسی دولت عباسی از نیمه سده سوم هجری - دوره‌ای که عصر تسلط ترکان نامیده می‌شود - رویکرد نظامی یافت. تنها در یک مقطع زمانی، که آن را می‌توان یک برش تاریخی لحاظ کرد - عصر معتضد - خاندان اداری و دیوانی دوباره قدرت را به دست گرفتند.^۴ با آغاز سده

1. Valid Imam

۲. همان، ص ۱۷۷.

۳. اقتصاد و جامعه، ص ۴۳۰.

۴. در دوره خلافت معتضد خلیفه، به سبب دخالت‌های ترکان و آشفتگی‌های سیاسی، در صدد احیای قدرت خلافت و اصلاحات اداری، سیاسی و اقتصادی برآمد، نک: ابوالحسن صائبی (۱۹۵۸م)، الوزراء؛ أو تحفة الأمراء فی تاریخ الوزراء، تصحیح عبدالستار احمدفراج، (بی‌جا): داراحیاء الکتب العربیه، ص، ۱۴۹، ۱۴۸، ۳۷، ۹۱، ۱۰، ج ۱۰، ص ۵۷.

چهارم هجری و ایجاد منصب امیرالامرای، حکومت رویکردی نظامی یافت. اگر ضعف بنیه اقتصادی و مالی نیز لحاظ شود، مقدمات سقوط و یا گسترش اقطاع در پاتریمونیالیسم عباسی پدید آمد.

در سلطه پاتریمونیال، عواملی منجر به گسترش فزاینده اقطاع می شود؛ نخست، آنکه حمایت حاکم از صاحب منصبان و خدمت گزاران در نظام پاتریمونیال به صورت گوناگونی است؛ استفاده از درآمد اموال و مالیات و یا در ازای اعطای زمین است. اعطای زمین گهگاه منجر به استقلال ایالات و خودمختاری خدمت گزاران و مقامات دولتی می شود؛ زیرا آنها به رغم میل فرمانروا تمایل به انتقال حقوق و امتیازات به وارثان خود دارند. روش دیگر، حمایت فرمانروا از خدمت گزاران در اعطای واگذاری زمین است؛ این شیوه زمانی نمود پیدا می کند که نظام پاتریمونیالیسم به فئودالیسم تبدیل شود. وبر از نظام اقطاع با عنوان فئودالیسم یاد کرده که بر دو نوع «فی یف»^۱ و «بنه فیس»^۲ تقسیم می شود.^۳ به نظر وبر نظام های شرقی، مبتنی بر نمونه فرعی بنه فیس هستند و نظام های غربی، گرایش به فی یف دارند.^۴ ماهیت و مناسبات ساختار سیاسی و اداری پاتریمونیالیسم عباسی، به هیچ وجه با نظام فئودالی قابل مقایسه نبوده و ساختار و روابط آن با نظام پاتریمونیال، دارای تفاوت بنیادین است.^۵ در نظام پاتریمونیال، اعیان و اشراف گروه های متشکل و همبسته نیستند؛ اما در نظام فئودالی چندین قدرت بازدارنده در مقابل هم قرار دارند.^۶ از تفاوت های دیگر نظام فئودالیسم و پاتریمونیال آن است که در نظام پاتریمونیال، سپاهیان از

۱. فی یف اعطای یک حق، به خصوص اعطای حق استفاده از زمین یا حقوق قلمرویی سیاسی در ازای خدمات اداری و یا نظامی است. *اقتصاد و جامعه*، ص ۴۳۲.

۲. بنه فیس پاداشی مادام العمر و نه وراثتی برای صاحب آن در مقابل خدمات واقعی یا فرضی است. می توان بنه فیس را از نظر حقوقی از فی یف متمایز کرد، هرچند تمایز بین آن دو حالت سیال دارد. برای آگاهی از تمایزات این دو نظام نک: *اقتصاد و جامعه*، ص ۴۳۵، ۴۱۸.

۳. *اقتصاد و جامعه*، ص ۴۳۱، ۴۲۰، ۴۱۸.

۴. *جامعه شناسی ماکس وبر*، ص ۸۲.

۵. *اقتصاد و جامعه*، ص ۴۵۰.

۶. *جامعه شناسی ماکس وبر*، ص ۸۲.

طبقات پایین به شمار می‌رفتند؛ اما در فتودال فرمانروا از بیگانگان در برابر اعطای زمین خدمات نظامی می‌خواست.^۱ فتودالیسم از لحاظ جغرافیائی، دارای سازمان پراکنده بود و در آن زیردستان می‌توانستند استقلال خود را از قدرت مرکزی بگیرند. درحقیقت پاتریمونیال، سلطه یک نفر است که نیازمند کارگزارانی است که سلطه او را اعمال کنند، حال آنکه فتودالیسم سلطه مشروع افراد معدودی است که مهارت جنگی دارند و حامل سنت اشرافی هستند. در سلطه موروثی، قدرت در کنترل فرمانرواست؛ اما در فتودالیسم، سلطه از معبر اشراف زمین‌دار می‌گذرد.^۲ بنابراین با توجه به این مفهوم باید بین فتودالیسم اسلامی و فتودالیسم غربی تفاوت قائل شد. مهم‌ترین تفاوت این دو نظام، اداره امور و اعمال قدرت سیاسی است. از آنجایی که فرجام نظام پاتریمونیالیسم عباسی با سلسله مراتب قدرت در نظام سیاسی فتودالی شباهتی نداشت؛ از اینرو به جای نظام فتودالیسم در تقسیم و تجزیه پاتریمونیال، نظام ملوک‌الطوایفی در نظر گرفته شد. دولت‌های مستقل در قلمرو عباسیان سلسله‌هایی جدا و مستقل از یکدیگر بودند. نظام ملوک‌الطوایفی از درون و بیرون دچار آشفتگی و بی‌ثباتی سیاسی بود و بین مجموعه حکومت‌های آن هیچ علایق و منافع مشترک جمعی وجود نداشت، در عرصه سیاسی و نظامی همکاری متقابل و دو جانبه بین صاحبان حکومت، وجود نداشت. در این نظام (ملوک‌الطوایفی)، هر کدام از صاحبان قدرت به نوعی علیه هم فعالیت می‌کردند. در پی همین رقابت‌ها و کشمکش‌ها بود که خلیفه عباسی، اقتدار سیاسی خود را کسب می‌کرد.

نظام پاتریمونیالیسم عباسی با گرایش مقطعان و حکام ایالات، به تصاحب قدرت و اختیارات و امتیارات و استقلال نسبی سرانجام دچار تجزیه و تقسیم گردید. تقسیم قدرت و تجزیه سیاسی خلافت عباسی از آغاز سده چهارم هجری، شتاب بیشتری گرفت. چنانکه در دوره‌ای به گفته مورخان فرمان خلیفه از بغداد بیرون نمی‌رفت.^۳ تجزیه و تقسیم موروثی و اداری نظام پاتریمونیال منجر به ایجاد ساختار سیاسی غیرمتمرکز گردید که مراکز و

۱. اقتصاد و جامعه، ص ۴۵۱؛ جامعه‌شناسی ماکس وبر، ص ۹۳.

۲. اقتصاد و جامعه، ص ۴۳۶.

۳. التنبيه و الاشراف، ص ۳۴۶؛ الفخری، ص ۳۱.

حاکمیت خلافت عباسی بر مبنای نظریه اقتدار سنتی ماکس وبر ۹۳

حوزه‌های متعدد قدرت در عرصه سیاست شکل گرفت. نافرمانی خاندان اغلبی و عصیان سرسلسله طاهری علیه خلیفه، در حقیقت بی‌اساس بودن تعهدات را نشان می‌داد. امیران از دوری راه و ضعف حکومت مرکزی استفاده کرده و خطبه به نام خود می‌کردند. گاهی این اقدامات سیاسی در پی رفتارهای بی‌قاعدہ خلیفه صورت می‌گرفت. در یک نگاه، رفتار امیران و صاحب‌منصبان حکومتی در ساختار بی‌قاعدہ و ناپایدار خلافت به عنوان نمادی از نظام سنتی، ریشه در سلطه پاتریمونیال داشت. رفتارهای سیاسی که در دو قطب متضاد اتفاق می‌افتاد خودکامگی و استبداد خلیفه، تسلیم بی‌چون و چرای کارگزاران و صاحب‌منصبان را به همراه داشت که با ضعف حکومت مرکزی، رجال دولتی راه عصیان و سرکشی در پیش می‌گرفتند.

دولت‌های مستقل شکل گرفته در سراسر قلمرو خلافت، توسط عمال و صاحب‌منصبان اداری و نظامی بود که در گرایش به استقلال و جدایی، هیچ تعهد و وفاداری عملی و واقعی به حکومت نداشتند. خلیفه نتوانست اختیارات و امتیازات آنها را سلب کند و به اجبار موجودیت‌شان را به رسمیت شناخت؛ اما مقام معنوی خلافت، به‌رغم تنازعات و کشمکش‌های پیش آمده به جهت جایگاه آن در جامعه و تأثیرگذاری‌اش در سیاست اهمیت داشت؛ که در نهایت پیوندهای ظاهری و تابعیت تشریفاتی نیز از میان می‌رفت. دولت‌های شکل گرفته، به شکل خاندانی اداره می‌شد و شیوه حکمرانی به صورت موروثی بود. امیران در حوزه فرمانروایی خود، در امور سیاسی، اقتصادی، دینی و قضایی استقلال داشتند، البته در ساختار قدرت آنها نیز مشکلاتی وجود داشت. جدای از تنازعات و اختلافات درونی و نبود ثبات سیاسی، روابط بیرونی هر یک از حکومت‌های ملوک‌الطوایفی همواره مبتنی بر جنگ و توسعه‌طلبی بود. چراکه حکومت‌های مجاور با توسعه‌طلبی، قلمرو آنها را تصرف می‌کردند و یا از درون، دچار تجزیه خاندانی بودند.

تجزیه نظام پاتریمونیالیسم عباسی

تجزیه و تقسیم نظام سیاسی دولت پاتریمونیال، به شکل اداری و یا موروثی است. در نوع اداری، زمانی که نظارت و اقتدار حکومت مرکزی ضعیف شود، با تصاحب مناصب و

درآمدهای مالی بین دیوانیان، والیان به تدریج به سمت جدایی گرایش پیدا می‌کنند. در نوع موروثی، تجزیه درونی است و افراد خاندان، تجزیه قلمرو حکومت را موجب می‌شوند. وبر تجزیه پاتریمونیال در دولت‌های اسلامی را از نوع اداری دانسته که با تصاحب مناصب توسط امرای غلامی انجام می‌گیرد. به نظر او تجزیه موروثی در دولت‌هایی است که خاستگاه ایلی و قبیله‌ای دارند؛ بنابراین خاص جوامع شرق اسلامی نمی‌باشد. نکته قابل توجه آن است که برخلاف نظر وبر، تمام دولت‌های اسلامی و ایرانی از غزنوی و سلجوقی گرفته تا قاجار به جز دولت صفوی، خاستگاه ایلی داشتند. از طرفی گرچه جنگ‌های خانگی و دعاوی اعضای خاندان عباسی در رسیدن به مقام خلافت یا تلاش برای جدایی و استقلال، از عوامل سقوط عباسیان نبود؛ اما سقوط دودمان اموی، خاندان حکومتگر سامانی و بویهی به سبب کشمکش اعضای خاندانی بر سر قدرت بود. بنابراین بر خلاف نظریه وبر، تجزیه نظام پاتریمونیال در دولت‌های اسلامی فوق‌الذکر را باید به شیوه‌ی موروثی دانست. تجزیه و سقوط نهایی نظام پاتریمونیالیسم عباسی به شیوه اداری بود. چرا که با قدرت‌گیری مقامات سیاسی و شکل‌گیری خاندان‌های دیوانی، قدرت خلیفه به حکام محلی منتقل شد و در نهایت نظام برآمده از حکومت ملوک‌الطوایفی و ضعف ساختار دورنی خلافت، مقدمات سقوط و تهاجم نیروهای بیرونی را فراهم کرد.

نتیجه

یافته‌های پژوهش حاضر، حاکی از آن است که خلافت عباسی در پی برنامه‌ریزی منظم، فعالیت داعیان، نقش امام عباسی در رهبری، موقعیت جغرافیای خراسان و ضعف ساختار سیاسی دولت اموی توانست حکومت را به دست گیرد. آنها از سیاست عرب‌گرایی و قبیله‌ای دودمان اموی تجربه گرفته و از نیروهای عرب و غیرعرب برای اداره حکومت استفاده بردند. با این شیوه، نظام پاتریمونالیسم عباسی شکل گرفت و خلیفه به عنوان رهبر حکومت اسلام، از مقام سید واقعی در ائتلاف قبیله‌ای، به خلیفه یک امپراتوری به گستره اسپانیا تا هند، ارتقا یافت. خلیفه از طریق نظام اداری (دیوان‌ها) منسجم و دیوانسالاران کارآمد بر قلمرو اسلام حکم می‌راند. تکمیل و تکامل دواوین اداری، تشکیل و سازماندهی ارتش با استخدام و تربیت غلامان و تحولات مالی سبب شد که حکومت عباسی مشخصات نظام پاتریمونیا - بوروکراتیک یافت؛ اما با قدرتمند شدن خاندان‌های دیوانی و موروثی کردن مناصب به‌ویژه وزارت، کشمکش میان خلیفه و مقامات به وجود آمد. به تدریج خلیفه برای حفظ اقتدار خود سعی در حذف صاحبان اداری از صحنه سیاست کرد. از این رو با استفاده از نیروی نظامی (ارتش)، که از دیگر عوامل قدرت حاکم پاتریمونیا است، اقتدار خود را برای مدتی نهادینه کرد، اما با قدرت‌گیری نظامیان و نفوذ و دخالت آنها در سیاست، روند دیگری از حاکمیت پاتریمونیا در خلافت شکل گرفت. نظام سلطانیسم یا غلبه نظامیان بر سیاست، با شکل‌گیری منصب امیرالامرای، کامل شد. تقسیم قدرت سیاسی میان خلیفه و سپاهیان، از میان رفتن هیمنه خلافت، ضعف ساختار سیاسی، تقابل نظامیان و دیوانیان بر سر قدرت، نبود تمرکز اداری و بحران تشکیلات مالی، مقدمه ضعف و تجزیه تدریجی حکومت بود. مجموعه‌ی عوامل، به مدعیان قدرت فرصتی داد تا بتوانند حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقل تشکیل دهند. فرجام نظام سیاسی پاتریمونالیسم عباسی با تشکیل خاندان حکومتگر، سقوط و تجزیه اداری خلافت بود.

فهرست منابع و مأخذ

- ابن طقطقی، محمد بن علی طباطبائی (۱۴۱۴ق)، *الفخری فی آداب السلطانیة و الدول الاسلامیة*، قم: منشورات الشریف الرضی.
- اشرف، احمد (۱۳۵۷)، *جامعه شناسی ماکس وبر*، تهران: هومن.
- اصطخری، ابوسعید ابراهیم (بی تا)، *مسالك الممالک*، تهران: کتابخانه صدر.
- پارکین، فرانک (۱۳۸۹)، *ماکس وبر*، ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران: ققنوس، کتابخانه ملی ایران.
- بندیکس، رینهارد (۱۳۸۲)، *سیمای فکری ماکس وبر*، ترجمه محمود رامبد، تهران: هرمس.
- ترنز، براین - اس (۱۳۸۸)، *وبر و اسلام*، ترجمه حسین بستان و دیگران، قم: حوزه و پژوهشگاه.
- جهشیاری، ابو عبدالله محمد بن عبدوس (۱۳۵۷ق-۱۹۳۸م)، *الوزراء والکتاب*، تحقیق مصطفی السقا، ابراهیم الآبیاری و عبدالحفیظ شلیبی، قاهره: مطبعة البابی الحلبي و اولاده.
- حجاریان، سعید، «ساخت اقتدار سلطانی؛ آسیب پذیری‌ها؛ بدیل‌ها»، نشریه اقتصاد: اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۹۱-۹۲، ۱۳۷۴، ص ۴۵-۷۵.
- السامرائی، حسام قوام (۱۳۹۱ق)، *المؤسّسات الاداریة فی الدّولة العباسیة* (خلال الفترة: ۲۴۷-۳۳۴)، تصحیح عبدالعزیز الدوری، دمشق: مکتبه دارالفتح.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمان (۱۳۷۱ق-۱۹۵۲م)، *تاریخ الخلفاء*، تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید، مصر: مطبعة السّعادة.
- شهابی، هوشنگ و خوان لینز (۱۳۸۰)، *نظام‌های سلطانی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: شیرازه.
- صبوری کاشانی، منوچهر (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی سازمان‌ها: بوروکراسی مدرن ایران*، تهران: سخن.
- طبری، محمد بن جریر (بی تا)، *تاریخ الرسل والملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: التراث العربی.
- ریچارد فرای (۱۳۴۴)، *میراث باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کریستین سن، آرتور (۱۳۸۷)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: زرین.
- کلمان هوار (۱۳۸۶)، *ایران و تمدن ایرانی*، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- کندی، محمد بن یوسف (۱۹۰۸)، *الولاء و کتاب القضاء*، تحقیق رفون گست، بیروت: مطبعة الآبالیسوعین.
- مسعودی، ابوالحسن علی (۱۴۲۲ق)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق شارل پلا، قم: الشریف الرضی.
- _____ (۱۳۵۷ق-۱۹۳۸)، *التنبیه و الإشراف*، تحقیق عبدالله اسماعیل عبدالصاوی، قاهره: مکتبه التاریخیه.
- وبر، ماکس (۱۳۸۴ش)، *اقتصاد و جامعه*، ترجمه عباس منوچهری و دیگران، تهران: سمت.
- ولوی، علی محمد (۱۳۸۰ش)، *دیانت و سیاست در قرون نخستین اسلامی*، تهران: دانشگاه الزهراء.
- یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب (۱۳۷۹ق-۱۹۶۰م)، *التاریخ*، بیروت: دارصادر.
- Weber, Max, (1987), *Economy and Society*, V 2, Edited by GHonther Roth and Claus Wittch, university of California.